

وعدۀ خداوند برای ازدواج آسان

جوانها وقتی صحبت می‌شود می‌گویند، اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ اینها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. فرمود: «لَنْ یُکُونُوا قَفْرًا یُتَمَنُّهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح بکدیگر درآوردید، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد کرد.» (نور، ۳۲) یعنی خدای متعال اینها را کفایت خواهد کرد. ازدواج بکنید. ازدواج در وضع معیشت آن دنشواری خاصی بوجود نمی‌آورد. بلکه به عکس خداوند آنها را از فقلش غنی هم می‌کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف به جای خرچ، بزج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به‌وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند. بعد هم تقصیر بعضی مسئولین است، که بالاخره باید بگویند، باید وسایل را فراهم کنند، فراهم نمی‌کنند، نمی‌خواهیم بگوییم که دولت‌ها برای جوانها و برای ازدواجشان وظایفی ندارند. اما این باید برای جامعه اسلامی جا بیفتد که ازدواج یک ضرورت است، باید انجام بگیرد. باید تحقق پیدا کند. اینکه دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده‌ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زنده‌گی نداریم، حرف‌های منطقی اجتنابی نیست. در خیلی از سننل زندگی، ما می‌بینیم که نه، جوانها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند، می‌فهمند. منتهی این ازدواج یک مسئولیت‌پذیری هم هست. این حسن‌گریز از مسئولیت، عقایدی مانع می‌شود از اینکه این نکار انجام شود.^(۱)

- ↑ خطبه عقد مورخه ۱۳۷۹/۶/۲۸

• پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در محضر امام خمینی (ره)

پول اتومبیل در حساب ۱۰۰ امام

ظهر روز یکشنبه ۵۸/۱/۱۹ دفتر کار خود را ترک کرده و عازم منزل بومد که با یکی از آشنایان بازاری که در بازارچه نوروزخان تهران تاجر ترخانۀ داشت در خیابان ارم روبرو شدیم. او با چند نفر از دوستان آن‌ذریابجایی خود به قصد زیسارت آمد و دیگر رهبران عالیقدر تشیع به قم فریاب شده بود. آقای عبادی دوست قدیمی ما مهرآران خود را معرفی کرد و اظهار داشت که آقای رضوی از تاجر و کارخانۀ‌های معروف تبریز است و می‌خواهد یک دستگاه اتومبیل بویک ساخت ایران آن که هنوز نمره نشده بر اساس طرح و پیمان و نذری که کرده است، به پیشکش امام هدیه کند. اگر بتوانید از حضور امام درخواست وقت ملاقات و شرفیابی بنمایید، بسیار ممنون و خوشحال خواهیم بود و در حقیقت احسانی در حق کار ما کرده‌اید. خوشحالی بدون بررسی گامی برداشته‌اشم، از این روز و از خود طرف حقیقت را پرسیدم؛ او که جوان پاک‌سرشت و پرشور و متدینی به‌نظر می‌رسید این چنین تعریف کرد: در آن روزهای بحرانی که امام در پاریس بودند و قافلهٔ دل‌ها با او، من این اتومبیل بویک را تازه از کمپانی خریداری کرده بسودم. روزی که تحویل گرفتم در بحرانی‌ترین روزهای حركت امام بود که دولت اختیار به‌پناهایی مانع از پرواز گردید و فرودگاه‌ها را بست. من از این کارشکنی‌های دولت رنج می‌بردم. در دل با خدای خود عهد و پیمان بستم که اگر حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی اصل صحیح و سالم به ایران برگردد، من قبل از سوار شدن اتومبیل آن را در اختیار ایشان قرار دهم تا افتخار حمل امام را پیدا کند و همیشه در اختیار او باشد. لذا از این جهت هنوز ماشین را نمره نکرده‌ام، که نمره هم را بگیرم. امیدوارم امام این هدیهٔ ناقلی را از شهروستان تبریز آورده‌ام بپذیرند و من هم به آن عهد، پیمان و نذر و بی‌گناهی خود خدایم بپردازم؛ چون لطف و کرم خداوند متعال شامل حال ما ملت ایران شد و وجود پربرکت ایشان پس از ۱۵ سال دوری و تبعید، صحیح و سالم وارد کشور شد و در تهران نتوانستم به حضورشان برسم. اکنون سال‌ها در حدی قریب مناسبت شریعت خواستم خدمت‌ها را به حضورشان تقدیم کنم و چون می‌دانم امام از وجوه شرعیه نمی‌پذیرند از مال خالص خودم به عنوان هدیه تقدیم می‌کنم.

پس از استماع توضیحات آن جوان پرشور و باایمان که بلا عاقله با آرامش قلب خاصی بیان می‌دادشتم، به حضور یکی از دوستان قدیمی خودم که شاگرد فداکار و وفادار امام هستند رسیدیم. او خوشبختانه در تنظیم برنامه‌های ملاقات امام مشارکت داشت، با کمال لطف و صفا ساعت ۸/۵ شب را تعیین وقت کردند. من به اتفاق دوستان که در لحاظ دیدار آینه‌اشمان قرار گزیدم، نیم ساعت جلوتر در اطراف منزل بودیم. افراد با کمال سادگی و بی‌آلایشی گروه گروه به حضورشان می‌رسیدند و با چپانی از شور و شغف از محضرشان برمی‌گشتند. ما نیز پنج هم پس از نیم ساعت حرکت اخیر اتومبیل آن ۹ شب به حضور امام شرفیاب شدیم. امام با کمال سادگی و بی‌آلایشی در گوشه‌ای از اتاق نشسته بودند و هاله‌ای از عظمت و صلابت و جوانمردی سیمای نورانی ایشان را احاطه کرده بود. سیمای جوانمردانهٔ او بر بی‌بندگی را بی‌عظمت اسلام و بی‌مجاذبن و زرمندگان صدر اسلام می‌انداخت. جمعیت کثیری دور او را گرفته بودند. نوبت به ما رسید، دور امام خلوت شده بود، من کنار ایشان دوشادوش نشستم و جریان را تعریف کردم و سوپییج اتومبیل را به پیشگاه او بردنشان تقدیم داشتم. امام با تبسم و خوشرویی خاصی آن را پذیرفتند از دوستان و همراهان کردند ولی دوباره سوپج را به صاحب آن برگرداندند و آدم و تبسم و خوشرویی خاصی آن را پذیرفتند از دوستان متحمل این همه زحمت و ناراحتی شد‌های، من اتومبیل را به خودتان می‌دهم و شما از طرف من و یکبار هسندیت که از آن استفاده کنید.

جوان، با ایمان و عشق و علاقه و شور خاصی که از این دیدار نصیبتش شده بود با اصرار و علاقه فراوان درخواست کرد که امام این افتخار را به ایشان بدهند که هدیهٔ ناقلی او را بپذیرند و به برای هم بار هم که شده دستور آن را بدهند، بعد هرطور خواستند عمل کنند، به نیازمندی بدهند یا بفروشدند تا او به عهد و پیمان قلبی خود برسد. از این روز اصرار می‌کرد. امام در جواب اصرار او فرمودند: «من در شرایط فعلی نیازی به اتومبیل شخصی ندارم و تعهدی هم دارم که شما از طرف من یکبار تنگم اتومبیل شخصی نداشت‌اشم. چون اکنون احساس نیازی نمی‌کنم به شما وکالت می‌دهم آن را از طرف من خودتان بخرید و بسا پول آن خانه‌ای برای یکی از مستضعفین کشور تهیه کنید. چون اگر ما اقدام به فروش کنیم ممکن است به قیمت واقعی آن به فروش نرسانیم، این کار را بهتر است خودتان انجام دهید و اگر برایتان ممکن نشد و خواستید حتماً به وسیله خود ما صورت گیرد می‌توانید اتومبیل را بفروشید و پول آن را به حساب خاصی که بزودی اعلام می‌شود بریزید (حساب ۱۰۰ بانکی ملیت جهت کمک به محرومین که در سه روز بعد اعلام شد) تا با لطف الهی به زودی برای عموم مستضعفین در سراسر کشور خانه و مسکن تهیه کنیم.» جوان این سخن امام را پذیرفت و بنا بر این شد که توسط خودش یا بوسیله امام خانه‌ای برای یکی از مستضعفان ساخته شود.

• حجت‌الاسلام‌والمسلمین عقیقی بخشایشی-کتاب اینه حسن – ص ۱۳۲

مفهوم و اصطلاح شناسی لجاجت

لجاجت و لجبازی به معنای اصرار و پافشاری بر چیزی در برابر دیگری است که با آن خواسته مخالفت می‌ورزد. (التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۱۰، ص ۱۶۷) بنابراین، همیشه در لجاجت باید دو طرف وجود داشته باشد؛ زیرا لجاجت از اصرار می‌ورزد و دیگری انکار می‌کند. هرگاه خاستگانه اصرار و پافشاری یک طرف، تصور ذهنی باطل یا تصدیق بی‌دلیل و برهان، یا خواهش‌های نفسانی و مانند آنها باشند، از این اصرار به عنوان لجاجت تعبیر می‌شود؛ بنابراین، لجاجت هرگز حق نخواهد بود؛ زیرا خاستگانه آن امری باطل است.

اما لجاجت در اصطلاح اخلاقی به معنای پافشاری و اصرار ورزیدن در کاری همراه با عناد است که از انبام آن نپی شده است.(مفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۷۲۶)

باید توجه داشت که انسان لجوج و لجباز، جاهل نیست، بلکه آگاهانه و مداملنه بر اساس عواملی که بیان می‌شود، اقدام به لجاجت و اصرار دارد. بر همین اساس، لجباز وقتی از امری آگاه و حقیقت روشن می‌شود، باز هم بخواسته و کور خویشتن اصرار می‌ورزد، در حالی که جاهل ممکن است چنین کاری نکند.

از آنجا که لجباز روی عناد و تکبر یا از بد ذاتی، اصرار به باطلی دارد؛ لجاجت وی با فروکش کردن هوس‌ها از بین نمی‌رود؛ از همین رو هیچگاه شخص لجوج، به سرعت لجاجت یا خاستگانه‌های ذاتی و تکبر هرگز تغییر نمی‌کند، مگر آنکه تغییر اساسی در ذات شخص رخ دهد و آنچه به شکل ملکه و یا مقوم ذات او در آمده از وی جدا شود. به نظر می‌رسد که چنین تغییر بنیادین و اساسی به سادگی شدنی نیست؛ از همین رو شخص ذات زامنی که زنده است، این حالت زشت نیز در وی زنده خواهد ماند؛ مگر آنکه خدا خواهد او را هدایت کند.(نگاه کنید: ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۳۷۹)

از نظر قرآن، خطاها و گناهانی که شخص بر اساس جهالت و نادانی و ناآگاهی انجام می‌دهد، قابل توبه و عذرخواهی است(نساء، آیه ۱۷)؛ در حالی که رفتارهای برخاسته از لجاجت این گونه نیست. (نگاه کنید: ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۳۷۹)

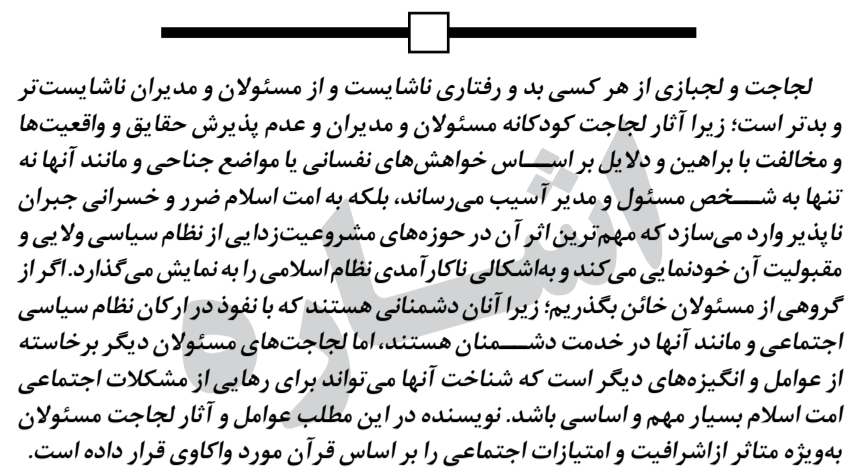
عوامل اساسی لجاجت

در آموزه‌های قرآنی برای لجاجت افراد و انسان‌ها، عواملی بیان شده است. البته برخی از امور در نقش زمینه‌ساز هستند؛ یعنی زمینه لجاجت را فراهم می‌آورند و برخی دیگر به عنوان عامل لجاجت عمل می‌کنند از مهمترین زمینه‌سازها و عواملی که می‌توان برای لجاجت پساد کرد، اموری چون اطاعت از شیطان(حج، آیه ۳)، اطاعت از ظالمان(هود، آیات ۵۰ تا ۵۹)، تقلید کورکورانه(اعراف، آیه ۱۰، لقمان، آیات ۲۰ و ۲۱)، عجب آیات ۲ و ۳)، ظلم بر خویششتن(انعام، آیات ۲۳ تا ۳۵)، اتراف(مومنن، آیات ۶۴ تا ۷۵؛ زخرف، آیات ۲۲ تا ۲۴)، قانون‌شکنی و جرم‌گرایی(حجر، آیات ۱۲ تا ۱۴) و تکبر(نساء، آیات ۸۹ تا ۹۱، صافات، آیه ۱۳۶)شرافیت (اعراف، آیه ۷۳، ص. آیات ۶ تا ۱۵) و مانند آنها اشاره کرد. بسا ناگهانی به مجموعه بسترسازها و عوامل ایجادی لجاجت می‌توان آنها را به دو دسته عوامل درونی روان شناختی و بیرونی اجتماعی تقسیم کرد. به این معنا که برخی از عوامل در خصیصت فرد و برخی از عوامل بیرونی در ایجاد یا تقویت لجاجت نقش اساسی دارد در اینجا برای توضیح بیشتر بر برخی از مهم‌ترین عوامل روان‌شناختی و اجتماعی اشاره می‌شود:

۱- **ششمنان نفوذی**: از نظر قرسان، از جمله علل لجاجت افراد در اجتماع و مخالفت خوئی با حق، دشمنان کاذبی هستند که حاضر به پذیرش حق نیستند. در هر جامعه‌ای گروهی کافر وجود دارند، از آنجا که در نظام اسلامی دشمنان کافر نمی‌توانند عرض اندام کنند، در قالب منافقان فعالیت می‌کنند. جریان نفاق، یک تجزیه نفوذی است که از سوی دشمنان ساماندهی و مدیریت می‌شود. این جریان با پوشش اسلام و مسلمانی در ساختار نظام سیاسی و مدیریتی نفوذ کرده و اهداف دشمنان را پیش می‌برد و از همین رو در برابر حق تسلیم نمی‌شوند و با لجاجت و اصرار بر مواضع باطل خویش بر آن هستند تا مقاصد دشمنان را اجرایی کرده و تحقق بخشند. از نظر

معارف

Maaref@Kayhan.ir



که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند هر حزبی بدانتچه پیش آنهاست داخوش شدند.(روم، آیه ۲۲) به نظر می‌رسد که همان طوری که برخی به سنت‌های اجزادی خویش دلبنسته هستند و بر آن اصرار و پافشاری و لجاجت دارند، در گرایش حزبی و جناحی نیز این گونه عمل و رفتار دارند که به نوعی، تقلید کورکورانه‌ا م در قالب حزبی و جناحی است. بر همین اساس، باید گفت که آیه تقلید از نیاکان و مذمت آن درباره ایشان نیز صادق است. خدا می‌فرماید: و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاپیدا می‌گویند: «اینچه از پدران خود یافته‌ایم، ما بر این است!» آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند(باز از آنها پیروی می‌کنند)؟!مانده، آیه ۱۰۴) پس احزاب و جناح‌ها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی به سبب لجاجت خویش حاضر نیستند تا به حق گردن نهند و از آن اطاعت و پیروی کنند.

برخی آثار لجاجت مسئولان

در آیات قرآن، برای لجاجت آثار فردی و اجتماعی و نیز دنیوی و اخروی چندی بیان شده است که شامل انکار آیات قرآنی(نمل، آیات ۱۳ و ۱۴)، تجاؤزگری و تعدی‌گری(یونس، آیه ۷۲)، دین‌سنجیزی و حق‌یابدیری(طافور، آیات ۶۹ و ۷۰)، مانع از ایمان آوری(بقره، آیات ۶ و ۷۵، انعام، آیه ۱۰۹)، مهر شدن قلب و عدم قدرت ادراک حقایق(یونس، آیات ۷۲ و ۷۴)، نصیحت‌گری(منافقون، آیات ۵ و ۶)، نابودی اعمال نیک (اعراف، آیات ۱۴۶ و ۱۴۷)، آتش دوزخ(حج، آیات ۳ تا ۹؛ غافر، آیات ۶۹ تا ۷۲) می‌شود.

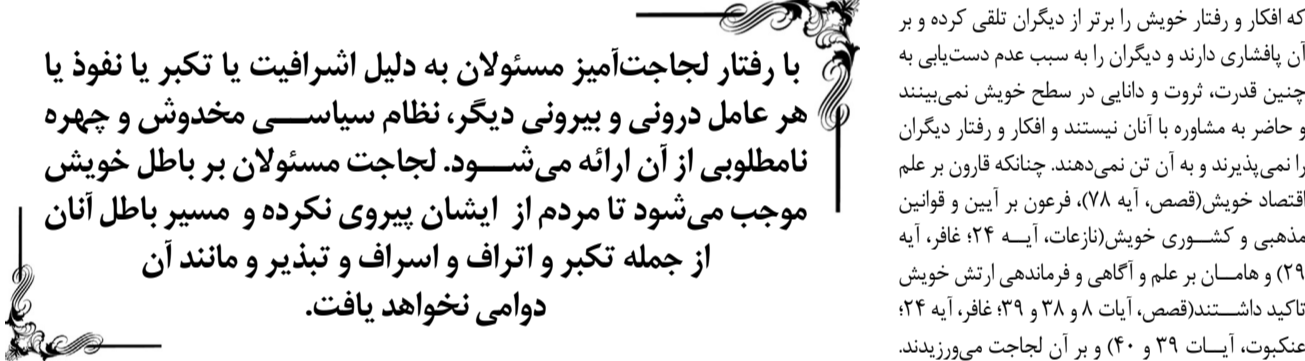
خدا به لجبازان هشدار می‌دهد کهداشتن چنین رویه‌ای در فکر و عمل موجب می‌شود تا گرفتار کبفر سخت الهی در دنیا و آخرت شوند؛ چنانکه قارون و هاملان و فرعون گرفتار شدند.(مومنن)، آیات ۴۵ تا ۴۸؛ زخرف، آیات ۵۵ تا ۵۶؛ جایئه، آیات ۸ و ۹)

اما از نظر آموزه‌های قرآن، لجاجت مسئولان در نظام سیاسی اسلامی آثار خطرناکی را برای امام و امت به جا می‌گذارد. هرچند ریشه این لجاجت متفاوت و متنوع است، اما آثاری که به دنبال دارد، مشترک است؛ زیرا چه از روی تکبر این لجاجت باشد یا از روی نفاق و نفوذ یا مانند آنها،

لجاجت مسئولان اشرافی

و عوامل و آثار آن

حسین علی سجادیپور



در مواردی جایز دانسته شده است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی یا عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی یا عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌شود که نوعی تقلید بر اساس دیگری مهم یا دیگران مهم شکل می‌گیرد؛ این گونه است که نوعی لجاجت در نوجوانی بروز می‌کند. این گونه است که ریشه و خاستگاه آن عقلایی باشد؛ یعنی شخص براساس معیارها و شاخص‌های عقلایی یا عقلایی، از یک الگوی رفتاری یا فکری پیروی می‌کند و به تقلید از آن می‌پردازد؛ زیرا دلایل و براین‌بنی علی یا عقلایی بر صحت آن فرد یا اندیشه‌اش به رفتار تأکید دارد. تقلید از مراجع علمی و اطاعت از اوامر و نواهی آنان، ریشه در خاستگاه عقلی یا عقلایی دارد؛ زیرا هر جاهلی برای انجام کاری به عالم و عاقل مراجعه می‌کند؛ چنانکه در پزشکی یا تجاری یا مانند آنها این رویه عقلایی مورد تأکید عقلای عالم است. تقلید از مرجعیت اسلامی نیز این گونه است؛ اما تقلیدی که بیرون از خاستگاه عقلایی یا عقلایی باشد، امری مذموم و مردود است. از همین رو تقلید از سنت‌ها و آیین پدران و نیاکان، بی‌شواسته و خاستگاه علمی و عقلی و عقلمانی مردود دانسته شده است. در نوجوانی حالتی در انسان ایجاد می‌